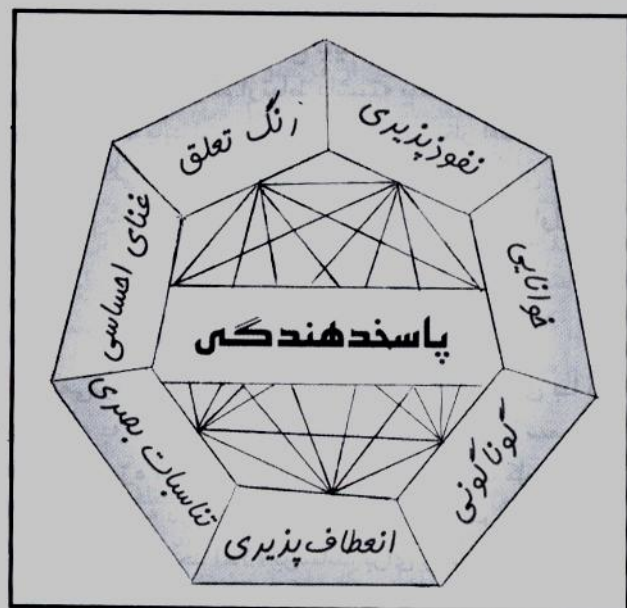


محیط های پاسخده مضمون نوشتاری است که با هدف یاری شهرسازان و معماران در طی فرآیند طراحی و دستیابی به سامانه بهینه ای از فضاها و مکانهای شهری و همگانی تهیه شده است.

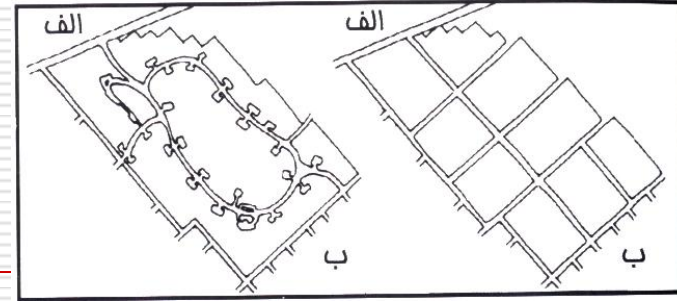
در واقع مکانهای شهری و همگانی می توانند از طریق افزایش گزینه های قابل عرضه به مردم ، یک محیط دمکراتیک برای آنها فراهم نماید. این گونه مکانها محیط های پاسخده نامیده می شوند.

اصول پایه ای جهت ارتقاء کیفیت محیطی:

- ۱- نفوذپذیری
- ۲- گوناگونی
- ۳- خوانایی
- ۴- انعطاف پذیری
- ۵- تناسبات بصری
- ۶- غنای حسی
- ۷- رنگ تعلق



اصل اول: نفوذپذیری – PERMEABILITY



امکان رفتن یا نرفتن به مکانی معین (طراحی نقشه کلی راهها و بلوکهای ساختمانی).
به عبارت دیگر، تعداد راههای بالقوه ای که برای عبور از یک نقطه به نقطه دیگر در نظر گرفته شده است.
(دسترسی)

امکان دسترسی فیزیکی لزوماً تأمین نمیگردد، بلکه تحقق دید بصری قطعی می باشد.

بصری

نفوذپذیری

امکان دسترسی فیزیکی - عملکردی به نقطه هدف

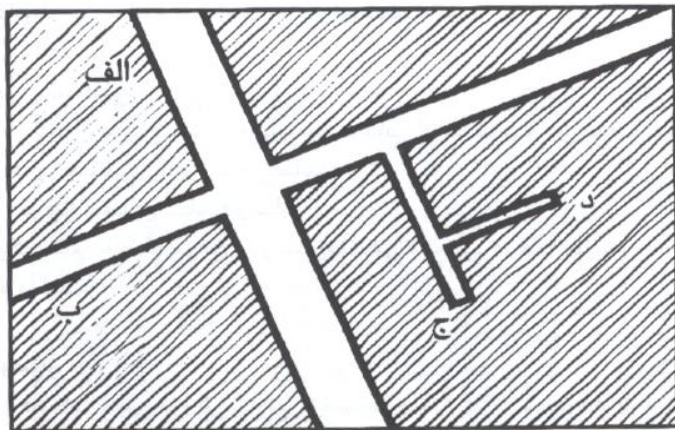
کالبدی



شبکه فضاهای عمومی چگونه محیط را بلوک بندی میکند.

بلوک های کوچک نفوذ پذیری بیشتری عرضه می کنند.

بلوک های طولی با ابعاد ۸۰ تا ۹۰ متر بیشترین کارایی را دارند.



عوامل کاهش نفوذ پذیری:

۱- بزرگ در نظر گرفتن مقیاس ساخت و ساز

۲- جدایی میان مسیرهای سواره و پیاده

۳- نظام سلسله مراتبی راهها

نظام سلسله مراتبی راهها موجب کاهش نفوذپذیری راهها می گردد، ولی در عین حال دوربرگردانها

یا بن بستها همیشه کارکرد منفی ندارند چراکه اگر به ایجاد یک حق انتخاب مناسب رهنمون شوند

پشتیبان پاسخدهندگی فضا می باشند و از گم شدن در مسیر نیز جلوگیری می کنند.



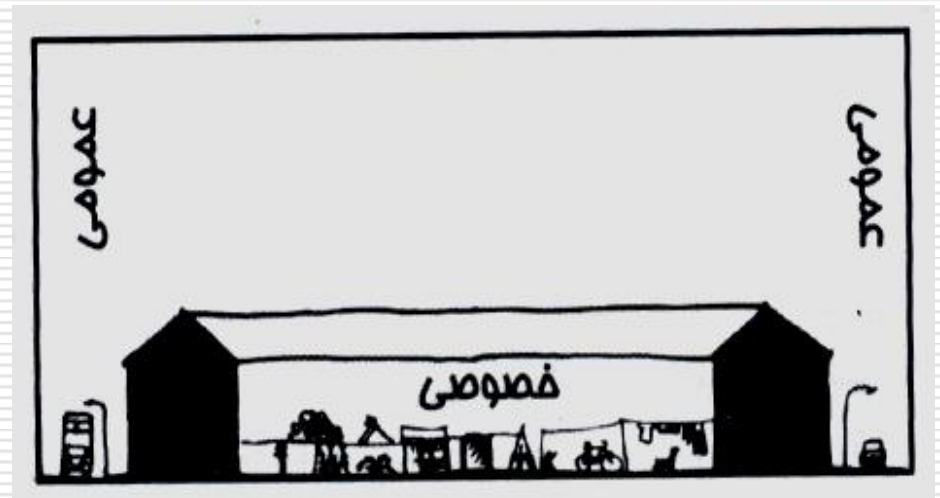
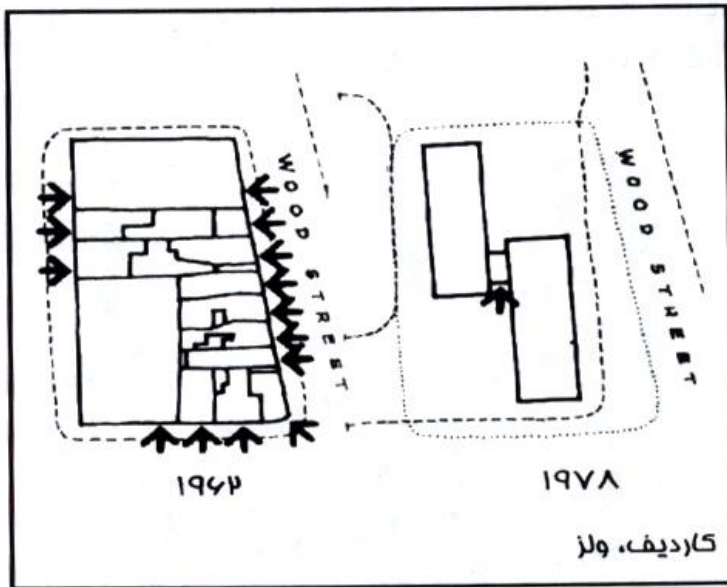
نتیجه: در طرح های توسعه شهری، دور برگردانها و بن بستها باید به عنوان پشتیبان به یک طرح اضافه

شوند نه اینکه اساس طرح را بسازند.

شرط لازم جهت ارتقاء سرزندگی فضاهای شهری: افزایش نفوذ پذیری کالبدی



افزایش سطح فعالیتها در لبه های فضاهای عمومی (بلوک های طولی)
افزایش ورودیهای قابل استقرار در پیرامون لبه های فضاهای عمومی



توجه به مقطع و عرض دسترس‌های موجود جهت تحلیل نفوذپذیری بافت ضروری می باشد. چنانچه این مهم مورد توجه قرار نگیرد ممکن است به اشتباه، بسیاری از بافتهای شهری نظیر بافتهای فرسوده که فاقد دسترسی سواره لازم می باشند به عنوان یک سایت شهری با نفوذپذیری بالا تلقی گردند.

شریانهای شهری بر اساس عملکرد و ابعادی که برای آنها منظور گردیده به چند دسته تقسیم بندی می گردند: اصلی درجه ۱، اصلی درجه ۲، جمع و پخش کننده و فرعی.

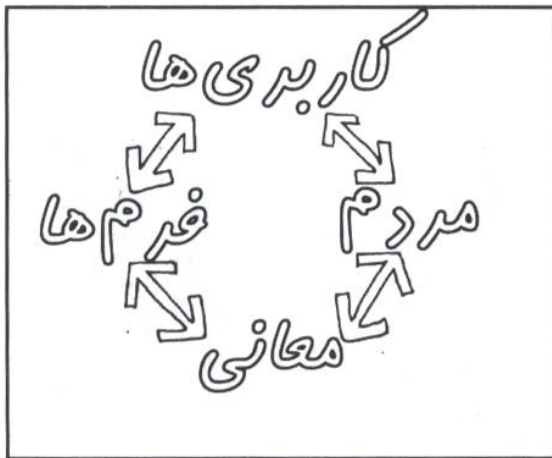


در ارزیابی میزان نفوذ پذیری یک بافت بایستی هر سه نوع نفوذپذیری مقیاس کلان، میانی و خرد براساس تقسیم بندی فوق الذکر بررسی گردد.

اصل دوم: گوناگونی (تنوع) – DIVERSITY

گوناگونی: عبارت است از تنوع قابلیت‌هایی که به مردم عرضه می‌گردد. (استقرار انواع کاربری‌ها در یک موضع طراحی)

این اصل در قالب سه موضوع متمایز قابل ارزیابی می‌باشد: گوناگونی در استفاده (کاربری)، گوناگونی در فرم (کالبد) و گوناگونی در معنی



گوناگونی کاربری کلید راهگشای تحقق هر سه نوع گوناگونی فوق‌الذکر می‌باشد. زیرا گوناگونی در استفاده سبب تحقق فرم‌های متنوع با بارمعنایی و تصورات ذهنی متمایز می‌گردد.

عوامل مؤثر بر گوناگونی کاربری های یک پروژه:

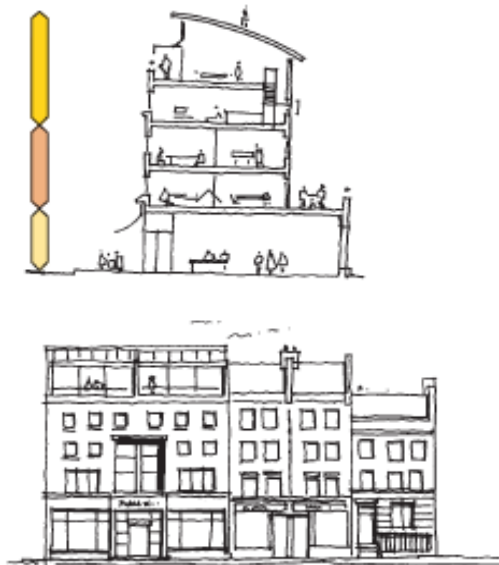
الف- تقاضا ب- فضای در خور استطاعت

- تبدیل نواحی مختلف به حوزه های با کاربری واحد
 - در آمیختن عرصه های طراحی و تشکیل واحد های بزرگتر
 - یکپارچه کردن سیما
- کاهش گوناگونی

• اختلاط کاربری ها (در یک بنا ، یک خیابان یا یک ناحیه) می تواند در تشخیص حسن استفاده از یک مکان و چگونگی حمایت از فعالیت های اقتصادی و اجتماعی تعیین کننده باشد.

• خلق ترکیبی از کاربری ها می تواند در جذب مردم برای زندگی ، کار و تفریح در یک مکان خاص مؤثر باشد.

این ترکیب می تواند در مقیاس بنا (یک کاربرد بالای دیگری) خیابان (یک کاربری در کنار دیگری) و یا همسایگی (گروه هایی از کاربری ها در کنار هم)



MIXED USES WITHIN A BUILDING
(TOP) AND ON A STREET





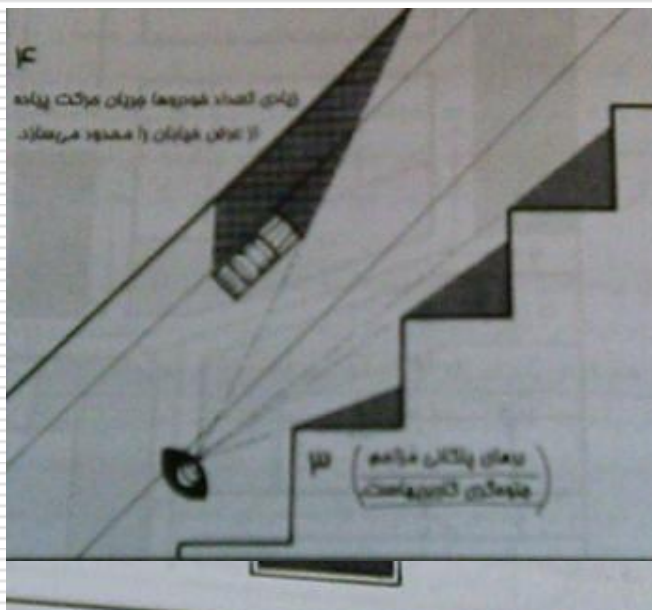
• تقسیم قطعات بزرگ زمین به قطعات توسعه‌های کوچک‌تر که هر یک دارای دسترسی مستقیم به مسیرها یا فضاهای عمومی هستند به تنوع کمک می‌کند. به خصوص اگر طراحی معماری آنها با استفاده از معماران مختلف باشد.

• یک ترکیب موفق از کاربری‌ها زمانی اتفاق می‌افتد که کاربری‌ها با یکدیگر سازگار بوده و به طرز مثبتی با یکدیگر تعامل داشته باشند.

DIVERSITY

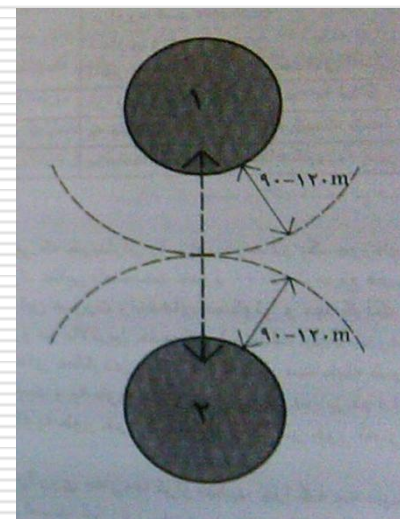
شعاع نفوذ عناصر جاذب جهت ایجاد تنوع:

۹۰-۱۲۰ متر-

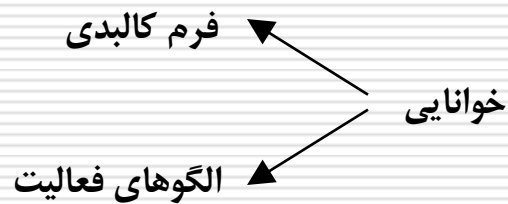


- بره‌های پلکانی مزاحم جلوه‌گری کاربریهاست.

- لزوم مکان‌یابی کاربریهای نیازمند به جریان پیاده در مسیرهای مواصلاتی بین عناصر جذاب (جاذبه‌های شهری)



اصول سوم: خوانایی - LEGIBILITY



- کیفیتی که موجبات **ادراک** یک مکان را فراهم می آورد.

- به عبارت دیگر چگونگی درک مردم از

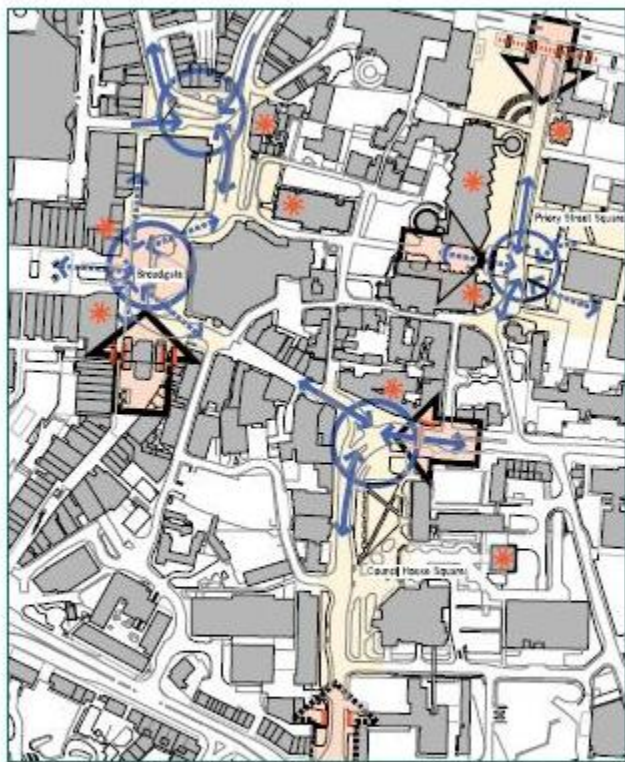
فرصتها و موقعیتهایی که بافت به آنها عرضه می دارد.

- **طراحی توده ساختمان ها و محصوریت** های فضاهاى عمومی

اینکه به چه راحتی مکانی ادراک می شود را می توان به روش های متنوعی مورد بررسی قرار داد ،

شامل : برداشت نقشه ها، انجام مطالعات و مصاحبه و مشاهده ی رفتارهای مردم

کوبین لینچ روش هایی برای تجزیه و تحلیل شرایط محلی ابداع کرده است که شامل بررسی های زیر است:



LYNCHIAN ANALYSIS FOCUSES ON THE FEATURES WHICH MAKE A PLACE EASY TO UNDERSTAND

□ دروازه ها و نقاط انتقال

در نقاط ورودی اصلی ، بین نواحی مختلف و در نقاط انتقال میان کاربری متفاوت

□ گره ها

اتصالات مهم و نقاط ارتباطی مهم

□ نشانه ها و عناصر مهم

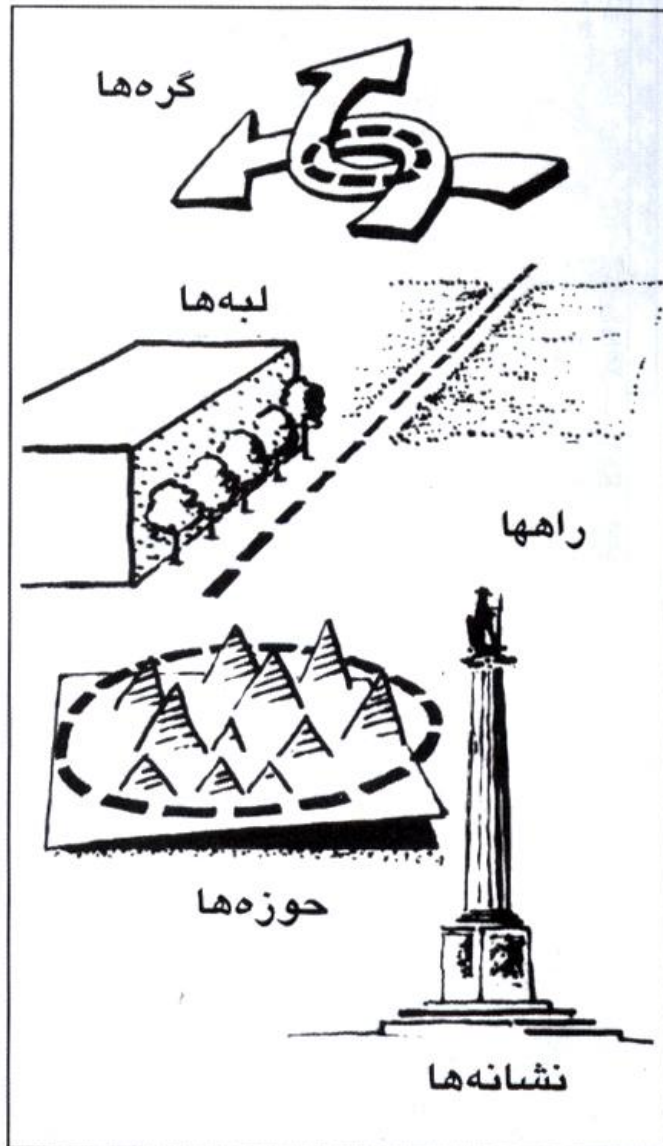
بناهای مهم ، گوشه ها ، سمبل ها و کارهای هنری عمومی

□ دیده ها و منظرها

که از داخل محدوده و از خارج آن دیده می شود

□ لبه ها، مرزها و حاشیه ها

از جمله مرز میان نواحی مختلف و محدوده ها و خیابان هایی که نقش اتصال دهنده و هماهنگ کننده دارند.



عناصر کالبدی کلیدی جهت تحقق خوانایی بافت :

گره، راه، لبه، حوزه‌ها و نشانه‌ها.

تصورات ذهنی مردم از بافت بر اساس ۵ عنصر

فوق‌الذکر شکل می‌گیرد.

تصورات ذهنی مردم از ویژگی‌های یک فضای

کالبدی مشخص در یک جاهایی هم پوشی پیدا

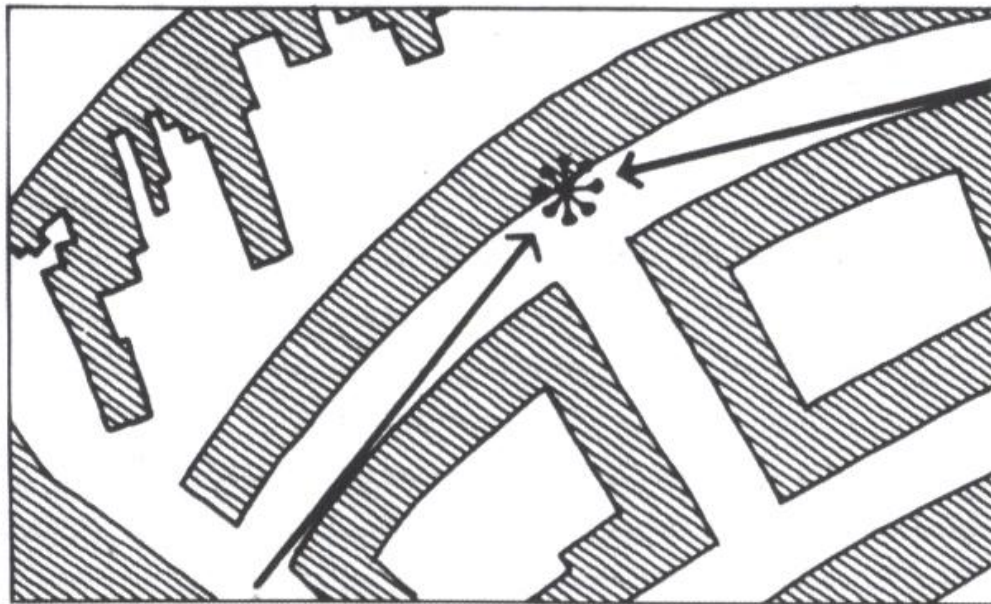
می‌کند. میزان هم‌پوشانی تصورات ذهنی

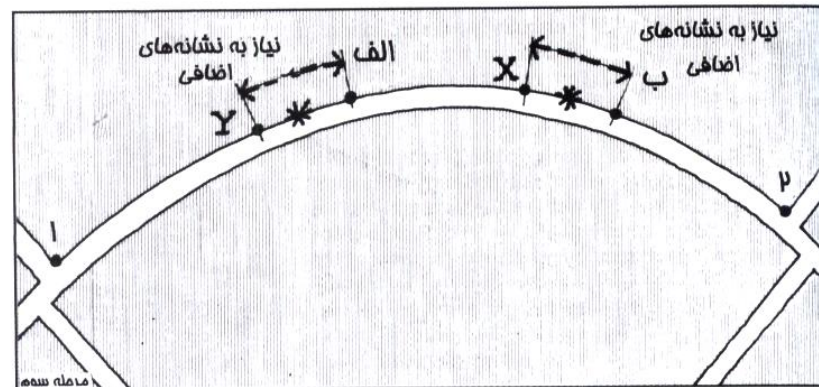
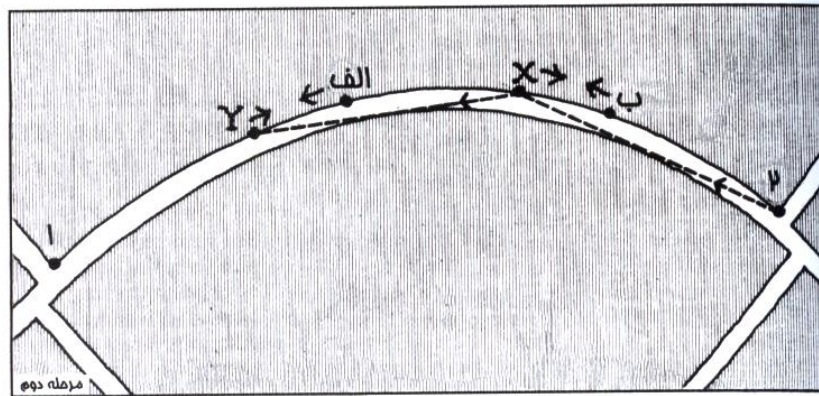
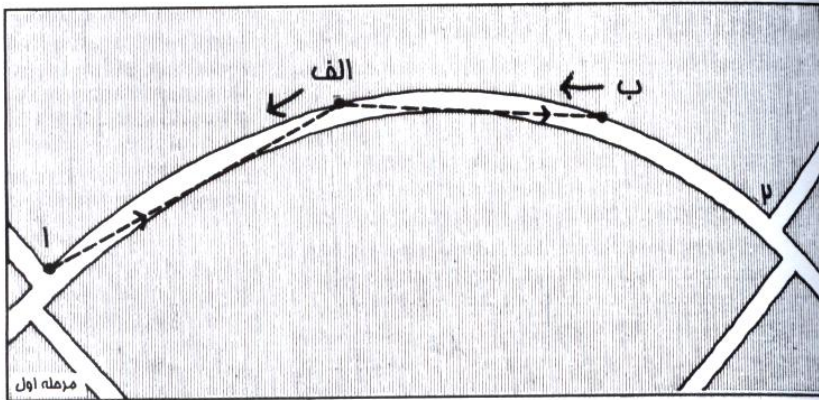
افراد متفاوت از یک بافت معین بیانگر میزان

خوانایی آن بافت می‌باشد.

هنگام اجرای طرح های توسعه شهری بایستی به نحوی عمل گردد که ترکیب عناصر جدید و موجود، سبب ارتقاء خوانایی از طریق تقویت ۵ عنصر لینچی گردد.

برای مثال نشانه های شهری جدید بایستی در نقاطی از مسیر جانمایی گردند که از کلیه نقاط مسیر قابل رؤیت باشند. به عبارت دیگر بایستی توالی نشانه ها در بافت تحقق یابد.





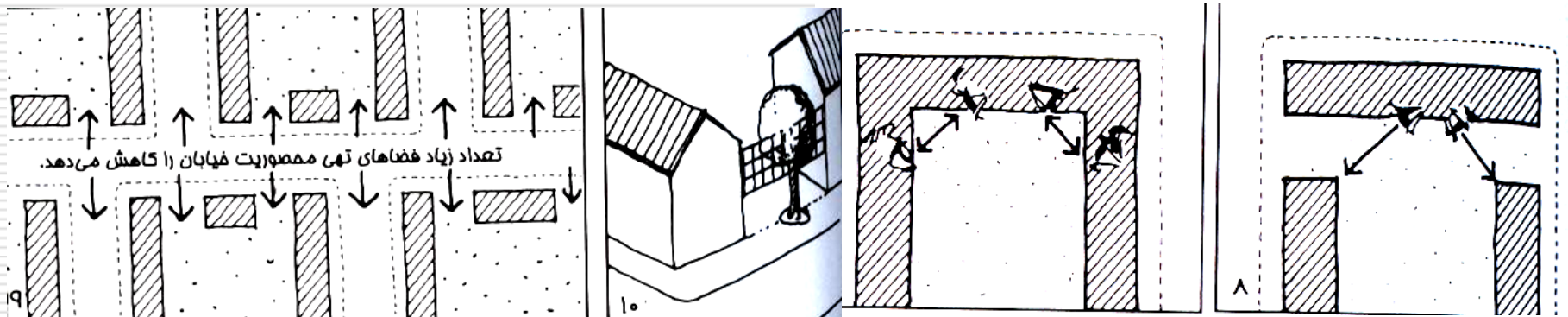
چگونگی فرایند تعیین موقعیت استقرار
 نشانه‌های جدید در بافت موجود جهت
 ارتقاء خوانایی بافت

۱- مؤثرترین عنصر از میان عناصر ۵ گانه در شکل‌گیری تصور ذهنی مردم از بافت و ارتقاء خوانایی یک سایت شهری "راهها" می‌باشند.

۲- از مهمترین عوامل خوانا بودن "راهها" القاء حس محصوریت به عابری است که آن راه را می‌پیماید.

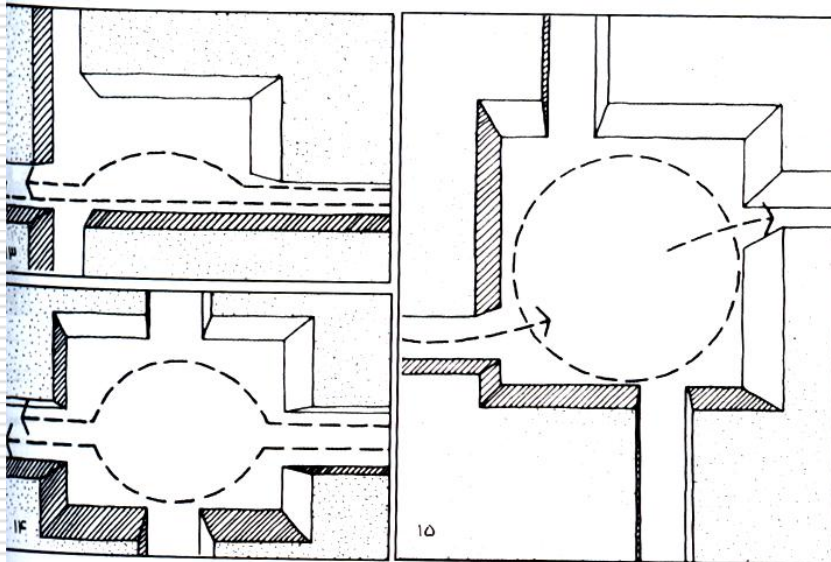
محصوریت راهها به شرطی عملی می‌گردد که **فضاهای خالی و تهی** واقع در بدنه های شهری به حداقل برسد.

برای حل مسئله اشراف در چنین معابری بایستی از تکنیکهای نظیر بلوکهای عمود بر هم استفاده نمود. لذا بایستی حتی المقدور بدنه راهها با توده کامل شود نه فضا.



به طور بالقوه همه تقاطع ها ، گره محسوب می شوند.
میزان تاکیدی که لازم است روی هر گره بشود به سه عامل بستگی دارد :

- ۱- نقش کارکردی خیابان هایی که تقاطع را شکل می دهند.
- ۲- نوع فعالیت ها در ساختمان های مجاور هم
- ۳- انتظارات مترتب در گره های دیگر موجود در حوزه (همساز کردن سایر گره ها با گره پر جاذبه)



در گره های شهری نظیر میدان، اصل محصوریت ابعاد جدیدتری پیدا می کند. جهت محصوریت بیشتر میدان می توان ارتباط مستقیم دید بین ورودیها و خروجیها را کمتر نمود. البته نباید در چنین حالتی افزایش محصوریت موجب از دست رفتن نفوذپذیری گردد.



افزایش خوانایی

- توانایی دیدن مسیرهای مهم و نشانه‌ها می‌تواند در کمک به راهیابی شخص و تقویت حس مکان او و خوانایی نقش مهمی داشته باشد.
- طرح، موقعیت و عملکرد بناها می‌توانند هویت و کاراکتر مسیرها و فضاهایی را که در خدمت آن هستند، تقویت کنند.
- کنج‌هایی که به خوبی طراحی شده‌اند خوانایی را به دلیل خلق جذابیت بصری افزایش داده و به ایجاد هویت متمایز محل کمک می‌کند.
- از طریق طراحی جزییات و کیفیت مصالح در ساخت و سازهای جدید می‌توان خوانایی را افزایش داد.
- تنوع مصالح می‌تواند به جذابیت فضا افزوده و به خوانایی آن کمک کند.
- کیفیت علائم و نشانه‌ها از جمله تابلوی مغازه‌ها و سایر تبلیغات تجاری مهم بوده و می‌تواند بر هویت و خوانایی بیفزاید.



خوانایی یا عدم خوانایی!

2. خوانایی و قابلیت تصور: در شکل خوب شهر، لینچ تاکید بر خوانایی را تقلیل داد و خوانایی را به عنوان یک نوع حس در حد یک بعد تجربه شهر در نظر می گیرد. با ناچیز شمردن اهمیت خوانایی در "تجدیدنظر سیمای شهر"، وی پذیرفت پیدا کردن راه به عنوان یک مشکل برای بیشتر مردم است. در صورت گم شدن در یک شهر، فرد همیشه می تواند راه را بپرسد یا از نقشه کمک بگیرد. وی ارزش محیط های خوانا را مورد سوال قرار داد: اگر مردم تصویر واضح و روشن از محلیت خودشان داشته باشند، دیگر به چه چیز توجه می کنند؟ و آیا آنها از طریق غافلگیری و رمز و راز، لذت نمی برند؟ این مسئله، موضوع تفاوت بین محیط هایی که قابل تصور هستند و آنهایی که مورد علاقه قرار گرفته اند را پررنگ تر کرد. مطالعه De Jonge در هلند اظهار کرد که مردم محیط های ناخوانا را دوست داشتند، همانطور که کاپلان و کاپلان نیاز به غافلگیری و رمز و راز را خاطر نشان کردند.

اصل چهارم: انعطاف پذیری – ADAPTABILITY

انعطاف پذیری:

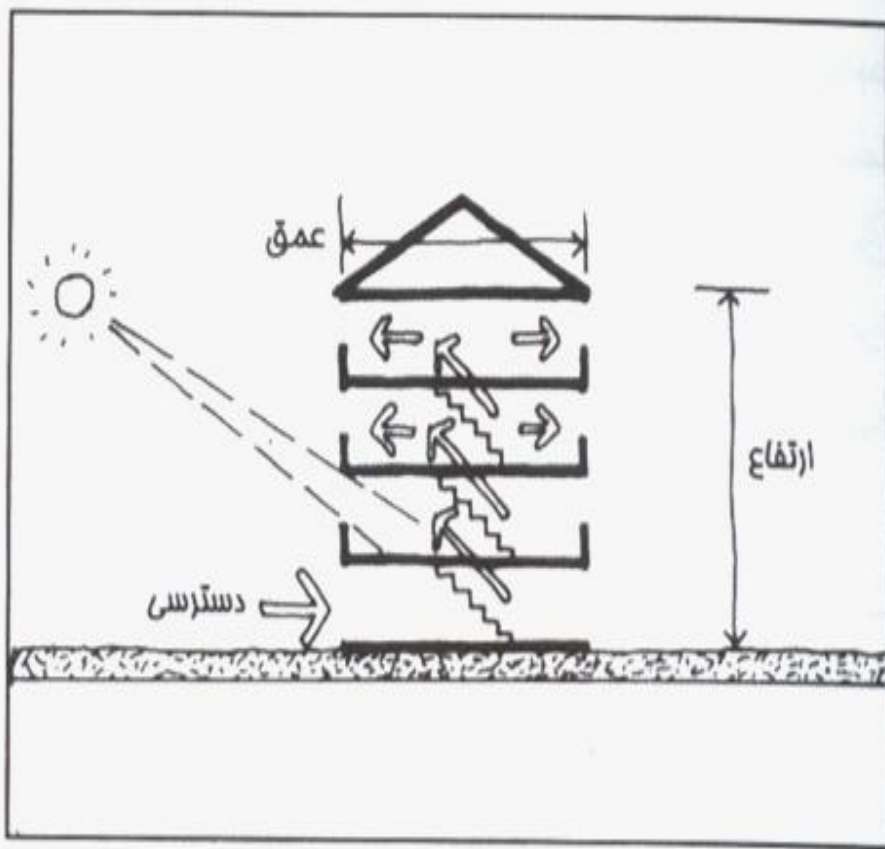
مکان هایی که بتوانند برای **منظورهای متنوعی** به کار آیند، در مقایسه با مکان هایی که برای **کاربری مشخص و محدودی** طراحی شده اند حق انتخاب های بیشتری را به کاربران عرضه می دارند. محیط هایی که قابلیت عرضه چنین گزینه هایی را داشته باشند دارای کیفیتی هستند که آن را انعطاف پذیری می گویند.

ارائه **امکان انتخابهای بیشتر به کاربران جهت تأمین منظورهای متنوع** آنها است. مکانی که این ویژگی را دارا باشد یک مکان انعطاف پذیر است.

انعطاف پذیری فضا های عمومی از فضاهای مجاور تاثیر می پذیرد. **مقیاس انعطاف پذیری : مقیاس خرد و کلان.**

الزام طراحی انعطاف پذیر در هر دو مقیاس در دو مرحله **متفاوت.**

اصل چهارم: انعطاف پذیری – ADAPTABILITY



سه عامل کلیدی جهت پشتیبانی انعطاف پذیری در

مقیاس کلان: عمق، دسترسی، ارتفاع

از دلایل مهم تخلیه بافتهای فرسوده شهری از جمعیت اصیل بومی، **عدم انعطاف پذیری** این نوع بافتهای می باشد که این امر به نوبه خود حاصل **فقدان ۳ فاکتور فوق الذکر** می باشد.

عمق: چنانچه عمق یا طول یک کالبد معین خیلی زیاد باشد آن کالبد نمیتواند به راحتی پاسخگوی نور و تهویه طبیعی باشد و لذا تغییر کاربری احتمالی و انعطاف پذیری در آن منتفی می گردد.

دسترسی: تعداد نقاط دسترسی می تواند عاملی کلیدی برای تطبیق تنوع کاربریها در یک ساختمان باشد.

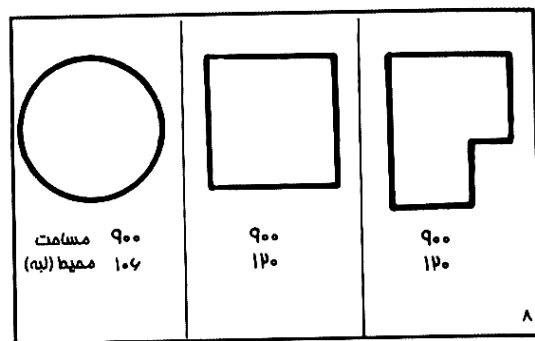
ارتفاع: در ساختمانهای با ارتفاع زیاد، طبقات بالاتر محدودیت بیشتری در سهولت دسترسی به خارج دارند و لذا طیف محدودتری از کاربریها می تواند در آنها مستقر گردد.

قالب ترجیحی پیشنهادی جهت نوسازی و بازسازی در پلاکهای منعطف شهری:

۱- عمق نسبتاً کم در پلان

۲- نقاط دسترسی فراوان

۳- محدودیت نسبی ارتفاع



--- بالاترین میزان انعطاف پذیری فضاهای داخلی بنا زمانی تامین می شود که بتوان به طور طبیعی شرایط محیطی آن را از نظر تهویه و نور تنظیم نمود. بنابر این استدلال ساختمان های انعطاف پذیر عمقی بین ۹-۱۳ متر دارند.

--- ساختمان های بالای ۴ طبقه انعطاف پذیری خود را از دست می دهند. بنابر این برای حفظ انعطاف پذیری همراه با افزایش ارتفاع بنا، عمق بنا نیز باید افزایش یابد.

--- هرچه نسبت بزرگی لبه (محیط) به مساحت فضا بیشتر باشد میزان فرصتهای مشاهده بزرگتر یا بیشتر شده و

امکان ارتقاء انعطاف پذیری میسرتر می گردد.



طراحی لبه فضا:

یکی از اصول پشتیبانی انعطاف پذیری آن
است که تا حد ممکن تنوعی از فعالیتها
در قلمرو همگانی به بالاترین حد ممکن
همزیستی برسند.



لزوم استفاده بهینه از لبه های
فضاهای عمومی جهت جریان یافتن
فعالیتها متنوع در مجاورت آنها

فرم انعطاف پذیر این برج تجاری اجازه می دهد زمانی که اقتصاد بازار تغییر کرد ، به مجموعه مسکونی تبدیل شود.



ADAPTABILITY

تبدیل کاربری انبار از فرم آزاد
و انعطاف بنا سود می جوید.



فضای یکپارچه و تقسیم نشده در طبقه همکف
این بناها استفاده از آنها را راحت و انعطاف
پذیر می کند.



یک انبار گاه در هلند که
به دفتر کار و اصطبل
تبدیل شده است.



VISUAL APPROPRIATENESS – تناسبات بصری: اصل پنجم:



تناسبات بصری: طراحی سیمای بیرونی.

مردم اماکن و فضاها را بر مبنای معانی مترتب

بر آن تعبیر و تفسیر می کنند. وقتی که این

معانی پشتیبان پاسخدهندگی محیط باشند

مکان دارای کیفیتی است که آن را تناسبات

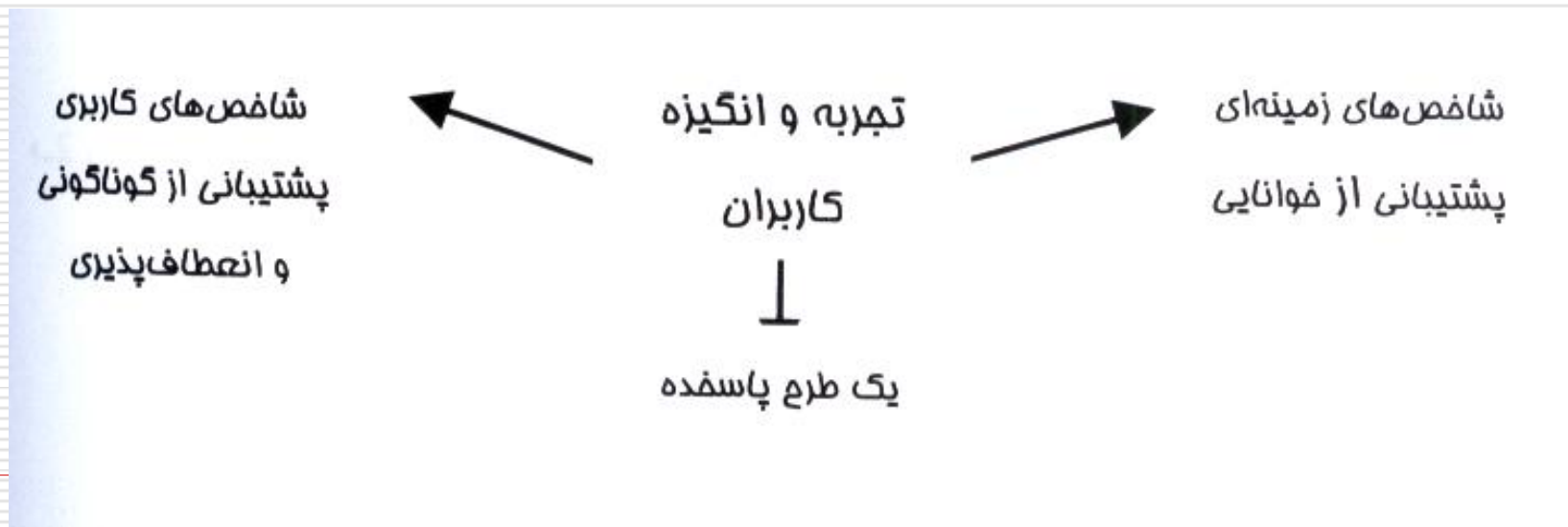
بصری می نامیم.

تفسیر مردم از یک مکان مناسبتهای بصری را ایجاد می کند که می تواند در ۳ سطح پاسخدهی محیط را تقویت کند.

– پشتیبانی از خوانا بودن در فرم و عملکرد

– پشتیبانی از گوناگونی

– پشتیبانی از انعطاف پذیری



برای پشتیبانی از خوانایی، ما نیازمند شاخص‌هایی هستیم که به عنوان رابط بین ساختمان مورد نظر ما و زمینه آن تعبیر خواهند شد. خواه این شاخص‌ها با تقویت راه‌ها، گره‌ها، نشانه‌ها، ابه‌ها و نواحی مهم، از خوانایی پشتیبانی کند و خواه مستقلاً در جهت خوانایی به کار گرفته شود، اینها را شاخص‌های زمینه‌ای می‌نامیم.

از طرف دیگر تامین گوناگونی و انعطاف‌پذیری، با مسیری که پروژه مورد استفاده کاربران قرار می‌گیرد، ارتباط پیدا می‌کند. برای پشتیبانی از این کیفیات، ما به شاخص‌هایی نیاز داریم که به مثابه عناصر متناسب با تنوع کاربری‌ها باشد، به این‌ها شاخص‌های کاربری می‌گوییم.

شاخص‌های کاربری
پشتیبانی از گوناگونی
و انعطاف‌پذیری

تجربه و انگیزه
کاربران
⊥
یک طرح پاسفده

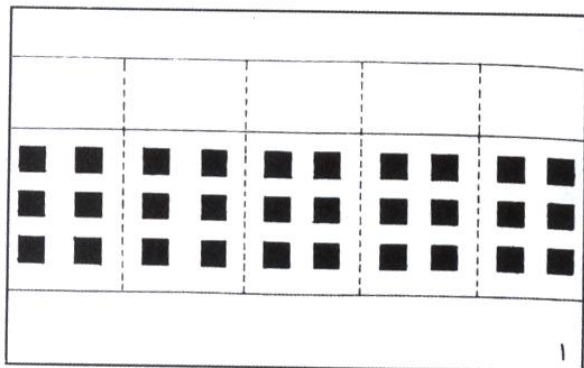
شاخص‌های زمینه‌ای
پشتیبانی از خوانایی

شاخص های زمینه ای :

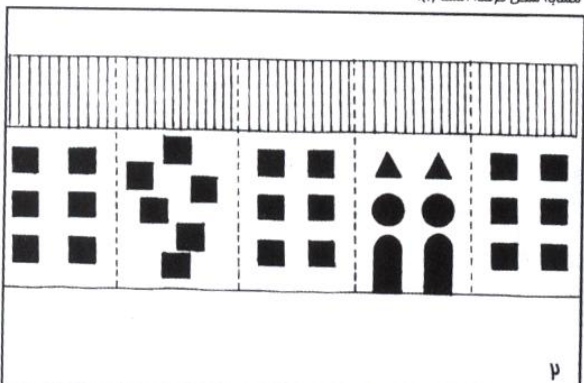
۱- عناصر (شامل جزییات دیوار، پنجرها ، در و جزییات سطح همکف)

۲- ارتباط بین عناصر (شامل تکرار های موزون عمودی و افقی

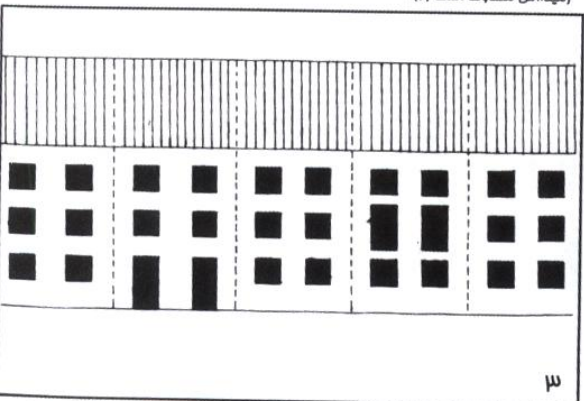
و ارتباطات خط آسمان)



۱ تصویر بالا حالتی را نشان می‌دهد که یک شخصیت بصری به وسیلهٔ عناصری مشابه در یک نظام ارتباطات مشابه شکل گرفته است (۱).



۲ در حالت اخیر با معرفی ارتباطاتی جدید و یا عناصر جدید، سطوح جدید ایجاد خواهد شد که نسبت به زمینه‌اش متفاوت است (۲).



۳ در این حالت با به کار بردن بسیاری از همان عناصر نظام و ارتباطات در طرح جدید، شخصیت بصری موهوب تقویت می‌شود (۳).

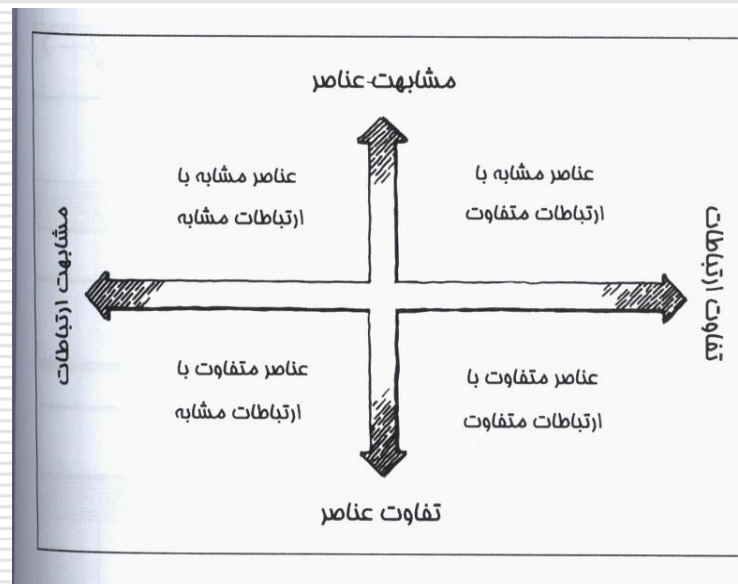
چگونگی شکل گیری

تناسبات بصری متفاوت

بر پایه عناصر و

ارتباطات مشابه یا

تمایز



اصل ششم: غنای حسی – RICHNESS

چنانچه یک مکان یا فضا دارای تنوع تجربیات حسی موجب لذت استفاده کنندگان باشد، آن فضا یا مکان دارای کیفیتی است که آن را غنای حسی می نامیم.

حسهای دخیل در این اصل عبارتند از: جابجایی (حرکت)، بویایی، شنوایی، بساوایی، بینایی و ...
اما مهمترین حس دخیل در این اصل حس بینایی می باشد.

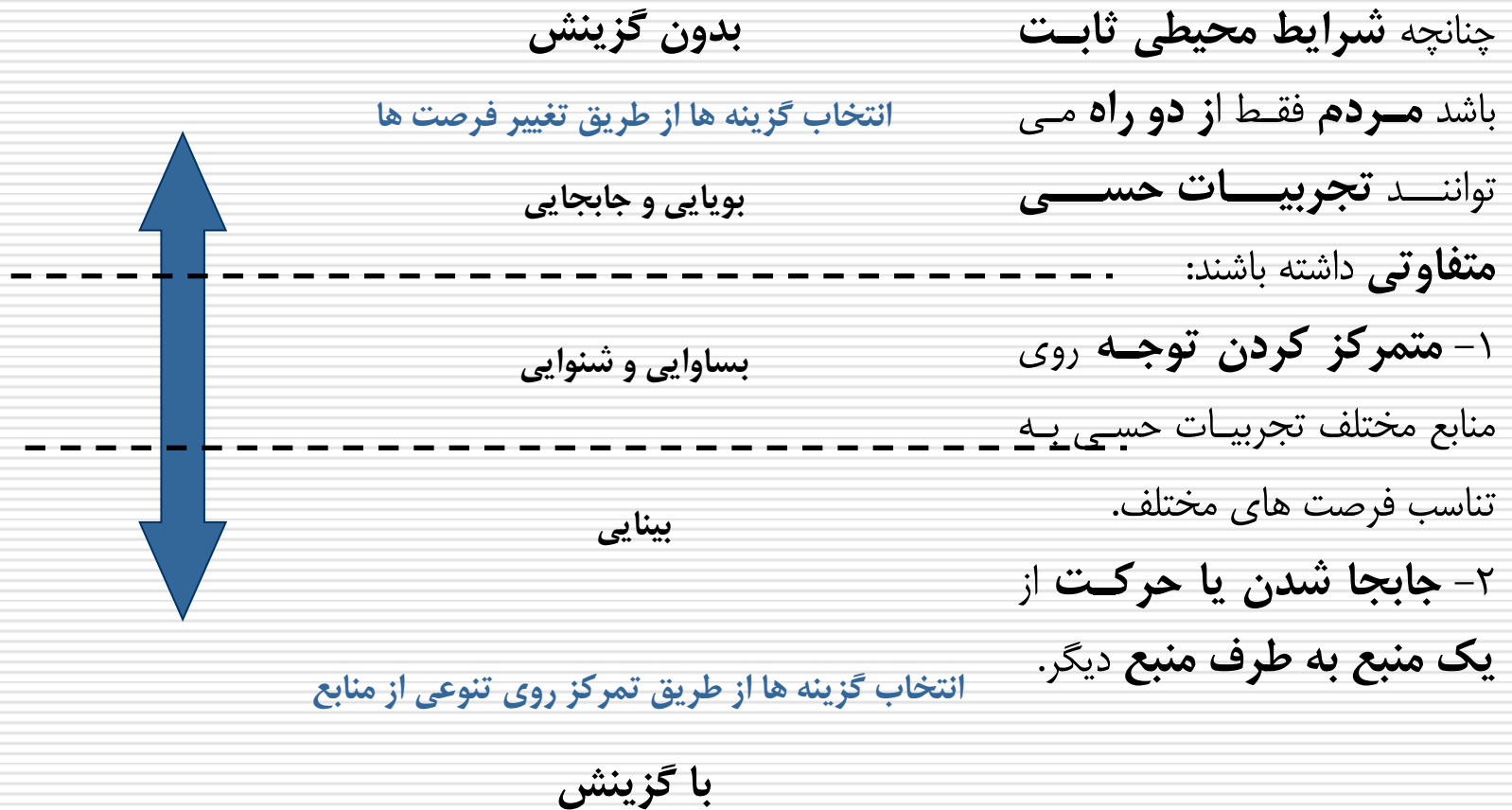
غنای حس بصری وابسته به حضور تضادهای بصری

```
graph TD; A[غنای حس بصری وابسته به حضور تضادهای بصری] --> B[چگونگی جهت گیری سطوح]; A --> C[موقعیت یا جایگاه احتمالی];
```

چگونگی جهت گیری سطوح

موقعیت یا جایگاه احتمالی

از دو راه می توان تجربیات حسی متفاوتی داشت:



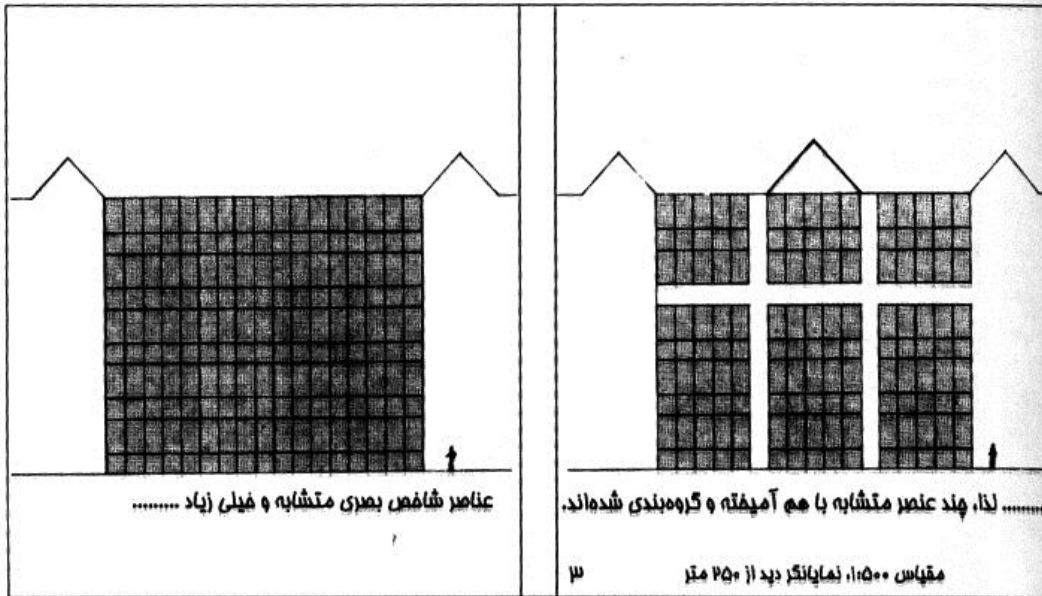
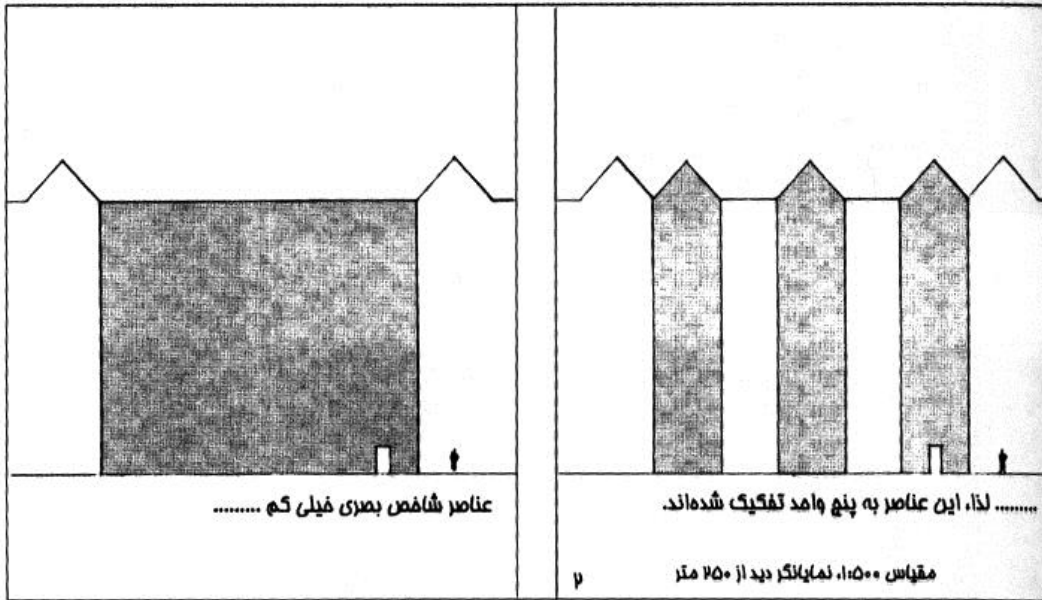
چگونه می توان به غنای حسی دست یافت؟

۱- بررسی و تصمیم گیری در مورد اینکه چه جاهایی برای غنای حسی غیر بصری و طراحی مبتنی بر کارایی تجربیات حس های جابجایی، بویایی، شنوایی و بساواایی امکانات بالقوه دارد.

۲- سطوح طرح بررسی شود تا مناسب ترین راه های دستیابی به تباین بصری ایجاد شود.

۳- فاصله و زمان احتمالی رویت سطوح تجزیه و تحلیل شود.

تصویر: با در نظر گرفتن حداکثر فاصله دید از ساختمان تعداد عناصر قابل شمارش را بین ۵ تا ۹ طراحی کنیم.



PERSONALISATION – رنگ تعلق – اصل هفتم:

بافت یا کالبدی مشمول این اصل می باشد که مردم امکان زدن مهر و نشان خویش بر آن را پیدا کرده باشند. به عبارت دیگر آن بافت را از آن خود دانسته و نسبت به آن تعلق خاطر داشته باشند.



مشارکت مردمی

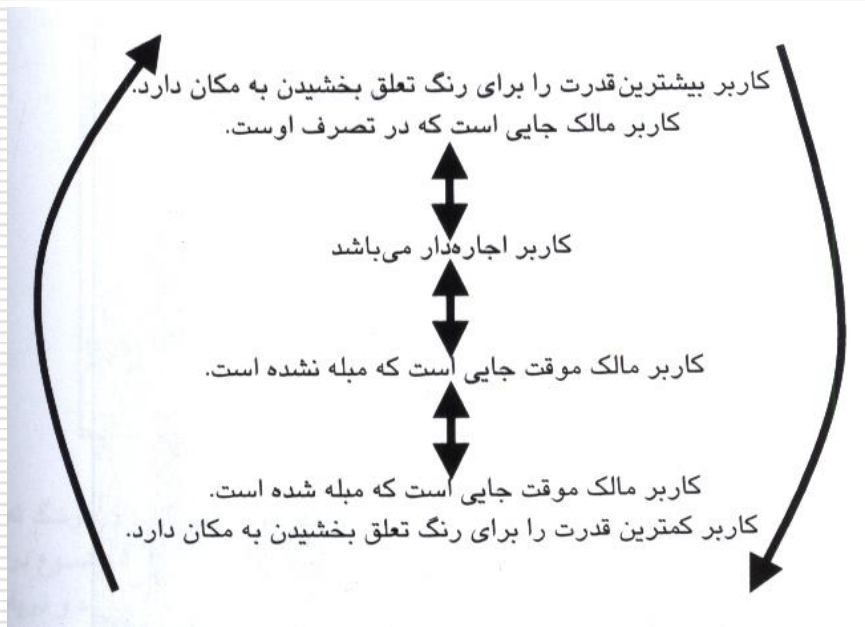
یکی از معضلات اساسی بسیاری از بافتهای شهری به ویژه بافتهای فرسوده شهری همین عدم تحقق مشارکت مردمی در فرایند بهسازی، نوسازی یا بازسازی بافت می باشد. این معضل نتیجه فقدان اصل هفتم (رنگ تعلق) در این نوع بافتها می باشد.

رنگ تعلق الگوی فعالیت یک مکان را روشن تر می کند. این امر در محیط های انعطاف پذیر که در

طول زمان گستره ی وسیع تری از کارکرد ها را در خود جای می دهد ، اهمیت بیشتری دارد.

رنگ تعلق از ۳ اصل تاثیر می پذیرد :

- نحوه تصرف - گونه ساختمانی - تکنولوژی



کاربران به دو طریق به فضا رنگ تعلق می دهند:

- با بهبود وضعیت تسهیلات کاربردی

(مطابق با ویژگی های انعطاف پذیری)

- با تغییر تصویر ذهنی از مکان

شفا جویانه

توافق جویانه

زمینه موجود با

زمینه موجود با

تصویر ذهنی

تصویر ذهنی

کاربران سازگار

کاربران سازگار

نیست

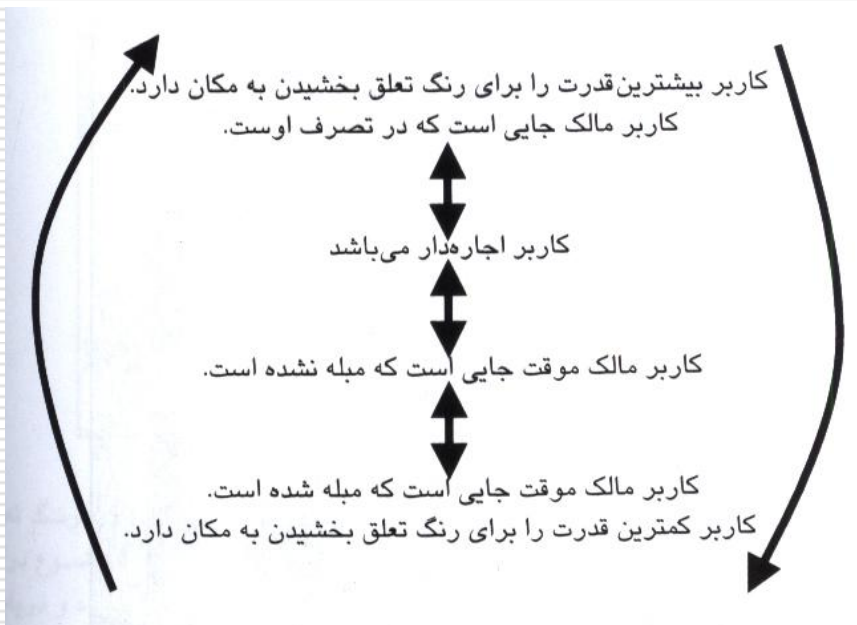
است

نمودار میزان رنگ تعلق نسبت به یک کالبد معین بر

پایه چگونگی مالکیت آن کالبد.

رنگ تعلق از ۳ اصل تاثیر می پذیرد:

- نحوه تصرف - گونه ساختمانی - تکنولوژی



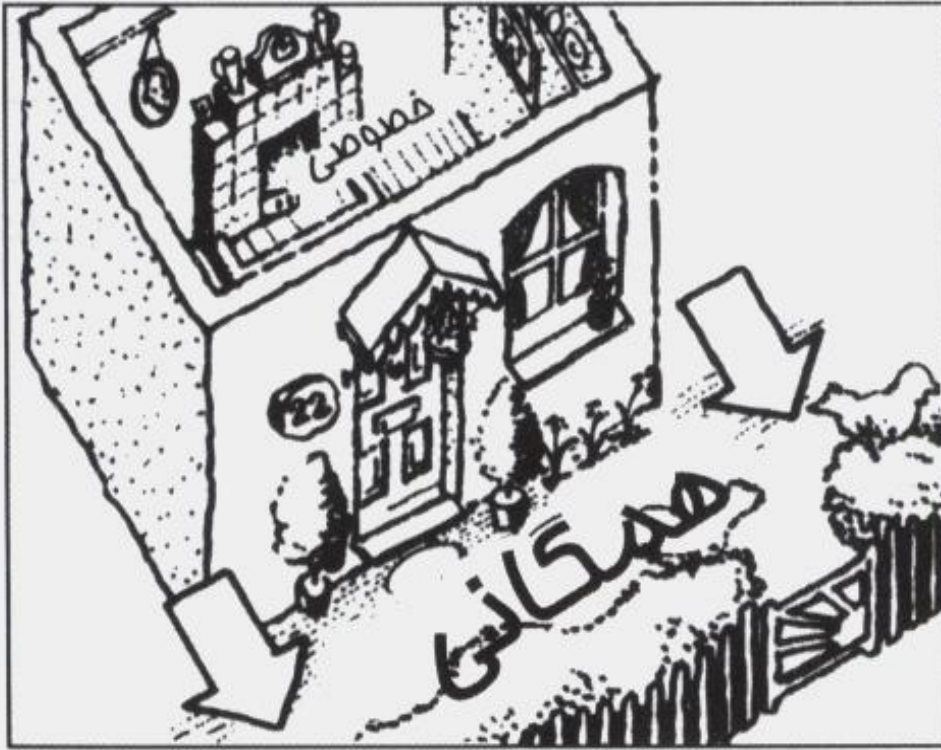
گونه ساختمانی: مردم به مکان هایی رنگ تعلق می دهند که به طور منظم در مدت طولانی از آنها استفاده کنند. برای مثال: خانه ها، کارگاه ها

بنابراین ساختمان ها باید طوری طراحی شوند که رنگ تعلق را تشویق کنند.

تکنولوژی: پشتیبانی از رنگ تعلق مستلزم فراهم آوردن تسهیلات کاربردی در زمینه اجرای آن است. این بدان معنی است که دانش فنی بکار گرفته شده در ساختمان با قابلیت های مهارتی کاربران سازگار باشد.

نمودار میزان رنگ تعلق نسبت به یک کالبد معین بر

پایه چگونگی مالکیت آن کالبد.



حل معضل فقدان فضاهای شهری مطلوب

در گرو ایجاد حس تعلق خاطر شهروندان نسبت به این فضاهای شهری می باشد. یعنی همانطور که فضای خصوصی را از آن خود می دانند نسبت به فضاهای عمومی نیز چنین دیدی پیدا کنند.

راهبردهایی برای طراحی توسعه پایدار

جدول 1-3

IAN BENTLEY	HUGH BARTON	GH. HAUGHTON	R. ROGERS
<p>• کارآیی انرژی : حداکثر استفاده از محیط ، خصوصا" انرژی خورشیدی و حداقل استفاده از انرژی های دیگر برای ساخت وساز</p> <p>• انعطاف پذیری : ساختمانی قابل انطباق با خواست ها و نیازهای جدید، برای کاربری جدید به نحوی که نیاز به تخریب و دوباره سازی نباشد .</p> <p>• پاکیزگی : طراحی فضاهایی با حداقل تولید آلودگی، در جایی که درجه ای از آلودگی غیرقابل اجتناب است طرح باید تا حد امکان خود پاکیزه باشد</p>	<p>• افزایش خود بسندگی : دیدن هر توسعه به عنوان یک لکوسیستم یا ارگاتیسم کوچک در حقیقت وجودی خود</p> <p>• نیازهای انسانی : تطبیق نگرانی های توسعه پایدار با ارضای نیازهای اساسی انسانی</p> <p>• توسعه سازمان یافته</p> <p>پیرامون انرژی : شبکه جابجایی موثر و کارا، استفاده از دوچرخه و پیاده روی برای گردش و جابجایی ، کارآیی حمل و نقل عمومی به عنوان نقطه شروع</p>	<p>• تنوع: محدوده هایی با چندین کارکرد، با ساختمان هایی متنوع به لحاظ سبک، عمر و وضعیت</p> <p>• تمرکز : تراکم مناسب برای حفاظت از تنوع و فعالیت شامل مردمی که ساکن هستند.</p> <p>• دموکراسی : حق انتخاب در جایی که فعالیت ها هدایت می شوند .</p> <p>• نیفوذ پذیری : ارتقا مردم با یکدیگر و با تسهیلات</p> <p>• امنیت : در طراحی فضاها برای ارتقای ایمنی شخصی</p> <p>• مقیاس خاص : ساخت توسعه بر زمینه محلی و انعکاس وضعیت محلی</p>	<p>• شهر عدالت : جایی که عدالت، غذا، پناهگاه، تحصیل، سلامتی و امید عادلانه توزیع می شوند و جایی که همه مردم در امور مشارکت دارند.</p> <p>• شهر زیبا : جایی که معماری، هنر و منظر سازی خاطره انگیز می شوند و روحیات را تحریک می کنند</p> <p>• شهر سرزنده : جایی که تمایلات و تجارب، پتانسیل منابع انسانی را به حرکت در می آورد ،جایی که آمادگی پاسخ سریع به تغییرات را داراست .</p> <p>• شهر اکولوژیک : جایی که تاثیرات اکولوژیک خود را به حداقل می رساند،جایی که منظر طبیعی و محیط مصنوع متوازنند ،ساختمان ها و زیر ساخت ها ایمن و کافی هستند .</p>

مولفه های
پاسخدهندگی در
طرح های توسعه
پایدار

راهبردهایی برای طراحی توسعه پایدار

جدول 1-3

IAN BENTLEY	HUGH BARTON	GH. HAUGHTON	R. ROGERS
<p>• حمایت از حیات وحش</p> <p>طراحی مکان هایی جهت حمایت و افزایش تنوع گونه ها</p> <p>• نفوذ پذیری : افزایش انتخاب با ایجاد مکان های قابل دسترس در میان تنوعی از راههای انتخابی</p> <p>• سرزندگی : مشاهده مردم دیگر و "چشمان خیابان"</p> <p>• تنوع : انتخاب تجربه ها</p> <p>• خوانایی : دانستن و شناخت پتانسیل انتخاب</p>	<p>• شبکه فضاهای باز :</p> <p>برای مدیریت آلودگی، حیات وحش، انرژی، آب و فاضلاب و ارتقای فضای سبز محلی</p> <p>• راهبرد انرژی : در هر توسعه جدید برای صرفه جویی مالی، کاهش فقر سوخت، کاهش استخراج و بهره برداری منابع</p> <p>• راهبرد آب : برای کاهش تخلیه آب و افزایش نفوذ به درون زمین</p>	<p>• طراحی ارگانیک :</p> <p>احترام به شرح تاریخی و مشخصات محلی</p> <p>• صرفه جویی منابع :</p> <p>طراحی با طبیعت و استفاده از منابع محلی</p> <p>• ارتباط پویا و سرزنده :</p> <p>بین شاهراهها، ساختمان ها و فضاهای باز</p> <p>• انعطاف پذیری :</p> <p>سازگاری</p> <p>• مشاوره : برای برآوردن نیازهای محلی ، احترام به سنت ها و ملاحظه منابع</p> <p>• مشارکت در طراحی، نگهداری و انجام پروژه</p>	<p>• شهری با ارتباطات آسان :</p> <p>جایی که عرصه عمومی اجتماعات و حرکت را تشویق کند و تبادل اطلاعات هم به صورت چهره به چهره و هم از راه دور میسر باشد .</p> <p>• شهر فشرده و چند مرکزی :</p> <p>شهری که حامی حومه ها است و اجتماعات را در محله ها و در بالاترین حد همسایگی و مجاورت به دور هم جمع می کند .</p> <p>• شهر متنوع : جایی که دامنه وسیعی از فعالیت ها ، زندگی پویا و زنده ای می سازد .</p>

مولفه های پاسخدهندگی در طرح های توسعه پایدار

تعریف سند هدایت طراحی شهری

سند هدایت طراحی شهری یک اصطلاح عام برای اسنادی است که سازندگان و طراحان (وسایر عوامل)، به وسیله آنها توسعه و ساخت و ساز در زمینه طراحی و برنامه ریزی را هدایت می کنند. اسناد مزبور می توانند توسط ادارات محلی، صاحبان زمین، سازندگان و شرکای آنها، سازمان های تجاری و اجتماعی (که تمامی آنها می بایست در فرایند مذکور مداخله کنند) یا توسط تعدادی از آنها به صورت گروهی تهیه شوند.

ساز و کار هدایت طراحی شهری می تواند موجبات پشتیبانی از سیاست های طراحی و برنامه ریزی را فراهم آورده، فرایند مشارکت را تسهیل نموده، چشم انداز را تدوین کرده، استانداردهای طراحی را تعیین ساخته و گام های بعدی را معین نماید.

طرح جامع

طرح جامع

جامع در لغت به معنی جمع کننده، گردآورنده، تمام، کامل و مانند اینها آمده است. همچنین به معنی مسجد اصلی شهر که در آن نماز گزارند، به عنوان پیشوند آمده است (دهخدا، ۱۳۷۲ هـ.ش، ج پنجم: ۶۴۷۵).

طرح‌های جامع، رشته‌ای وسیع از موضوعات مرتبط را به صورت یک پارچه نشان می‌دهد. طرح جامع روابط مهم بین اقتصاد، حمل‌ونقل، تسهیلات و خدمات عمومی مسکن، محیط زیست، کاربری اراضی، خدمات مردمی، و سایر مؤلفه‌های جامعه را بر اساس مقیاس جامعه و منطقه‌ای وسیع‌تر، مشخص می‌سازد. طرح جامع، آینده درازمدت جامعه را نشان می‌دهد و افق آن نیز ۲۰ سال - و حتی بیشتر - است. مهم‌ترین عملکرد طرح جامع، تهیه راهنمای باارزشی برای تصمیم‌گیران بخش خصوصی و عمومی است که بر کیفیت زندگی موجود و آتی ساکنان و محیط طبیعی و مصنوعی که در آن زندگی و کار و تفریح می‌کنند، اثر می‌گذارد» (انجمن شهرسازی امریکا، ۱۳۸۶ هـ.ش: ۱۷).

طرح جامع

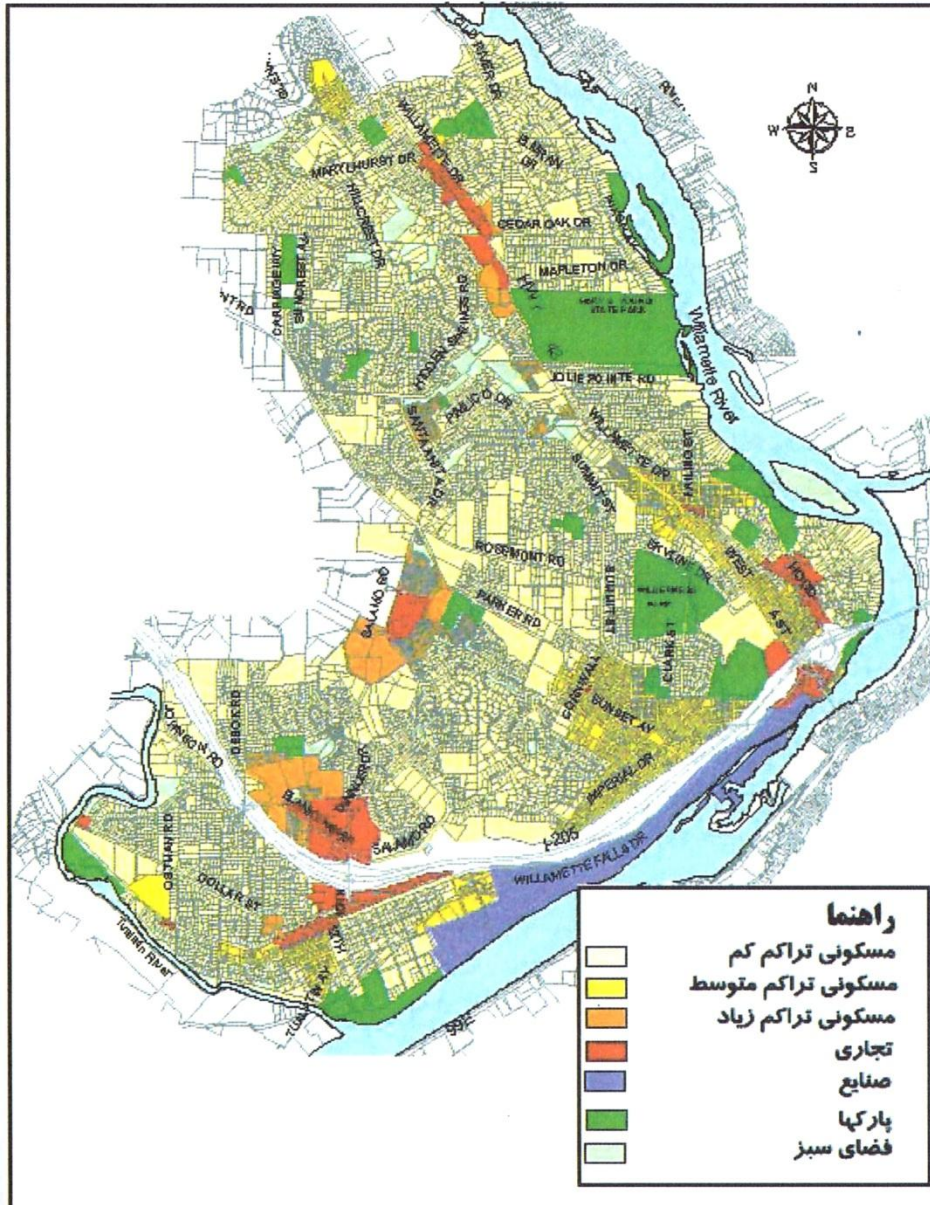
«طرح جامع شهر عبارت است از طرح بلندمدتی که در آن نحوه استفاده از اراضی و منطقه‌بندی مربوط به حوزه‌های مسکونی، صنعتی، بازرگانی، اداری و کشاورزی و تأسیسات و تجهیزات و تسهیلات

شهری و نیازمندی‌های عمومی شهری، خطوط کلی ارتباطی و محل مراکز انتهایی خط (پایانه) و فرودگاه‌ها و بنادر و سطح لازم برای ایجاد تأسیسات و تجهیزات و تسهیلات عمومی مناطق نوسازی، بهسازی و اولویت‌های مربوط به آنها تعیین می‌شود و ضوابط و مقررات مربوط به کلیه موارد پیش گفته و همچنین ضوابط مربوط به حفظ بنا و نماهای تاریخی و مناظر طبیعی، تهیه و تنظیم می‌گردد. طرح جامع شهر برحسب ضرورت، قابل تجدیدنظر خواهد بود.» (شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۹ هـ.ش. : ۱۰۹).

طرح جامع

طرح جامع، کامل ترین نوع برنامه ریزی است. در هر طرح جامعی، اهداف، راهبردها، خطمشی‌ها، سیاست‌های اجرایی، برآورد مالی و نیروی انسانی و اسناد و مدارک به طور کامل مورد توجه قرار می‌گیرد. طرح جامع که گاهی برنامه توسعه و عمران نیز نامیده می‌شود، کلیه حوزه‌ها و بخش‌های سازنده فرم و عملکرد واحد شهر را شامل می‌گردد و در واقع برنامه‌ای کلی و همه‌جانبه و یک‌پارچه است. این طرح معمولاً در سطوح و دوره‌های جغرافیایی مختلفی - شامل: سطح ملی، منطقه‌ای و ناحیه‌ای و محلی - تهیه می‌گردد. عنوان طرح جامع در تبادر ذهنی با واژه‌های انگلیسی Comprehensive Plan و Master Plan می‌تواند شامل برنامه و پروژه‌های موضوعی و موضوعی فرایوشاننده همه عوامل مداخله‌کننده نیز بشود. برای مثال، می‌توان از طرح جامع طراحی شهری یک مکان خاص نام برد.^۱

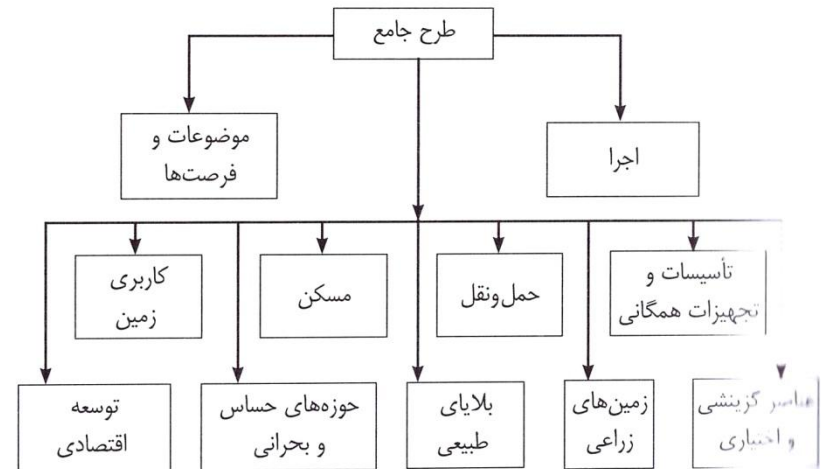
شکل ۱- نمونه‌ای از طرح جامع، با تأکید بر نقشه کاربری زمین: طرح جامع شهر وست لین



مأخذ: Google Image, 2007

طرح جامع

نمودار ۲: عناصر تشکیل دهنده طرح جامع



مأخذ: APA, 2۰۰6 : 7

طرح جامع

همان طور که گفته شد، جامع ممکن است برای توضیح پروژه‌های به کار آید که درباره طراحی شهری است. وقتی که گفته می‌شود برنامه جامع طراحی شهری، منظور یک برنامه فیزیکی یا طراحی است که خود راهنما، سرمشق و مادر طراحی شهری سطوح پایین دست دیگری است. این موضوع برای طرح‌های معماری و حتی طرح‌های غیرمعماری و ترکیبی نیز به کار آمده است. برای فهم بیشتر مطلب در جایی که از طرح جامع برای شرح برنامه‌های جامع فرودگاه تحت عنوان «Airport Master Plan» یاد شده است، نقل قول می‌گردد: «دست‌اندرکاران بهره‌بردار فرودگاه‌ها برای اینکه بتوانند از کمک‌های مصوب دولتی برای مطلوبیت خدمات فرودگاه استفاده کنند باید طرح‌های جامع پشتیبانی فعالیت‌های هوایی را انجام دهند. این گونه طرح‌های جامع برای فرودگاه‌ها دربرگیرنده اطلاعاتی ضروری برای سازگاری با برنامه‌های جاری نظیر تنظیم شرایط صوتی است. این طرح‌ها می‌تواند شامل پیش‌بینی حرکت هواپیماها، برنامه‌های ساخت باندهای پرواز جدید یا طولانی‌تر کردن باندهای موجود و یا تغییر محدوده باندهای پرواز شود. این طرح همچنین به منظور ایجاد تغییرات اساسی در کارکرد فرودگاه، افزایش فراوان در شمار پروازها، تغییر در نوع هواپیمای فرودگاه یا افزایش شمار پروازهای شبانه تهیه می‌شود». (APA, 2006:287).

طرح تفصیلی

تفصیلی در لغت به معنی مفصل و مشروح است و در مقابل اجمالی و کلی و مختصر قرار می‌گیرد. به بیان دیگر، به هر چیزی که به‌طور فصل فصل، جدا جدا، با دقت و بیان طولانی و مشروح آورده شود، تفصیلی گویند. در نتیجه در بیان تفصیلی هر چیزی، به‌طور کامل و به‌صورت خیلی مفصل به جزئیات پرداخته می‌شود و از جامعیت، فراگیری، شمول و کلی‌گویی دوری می‌گردد (دهخدا، ۱۳۷۲ هـ.ش، ج چهارم: ۶۰۰۶).

«طرح تفصیلی عبارت از طرحی است که براساس معیارها و ضوابط کلی طرح جامع شهر، نحوه استفاده از زمین‌های شهری در سطح محله‌های مختلف شهر و موقعیت و مساحت دقیق زمین برای هر یک از آنها و وضع دقیق و تفصیلی شبکه عبور و مرور و میزان تراکم جمعیت و تراکم ساختمانی در واحدهای شهری و اولویت‌های مربوط به مناطق بهسازی و نوسازی و توسعه و حل مشکلات شهری و موقعیت کلیه عوامل مختلف شهری در آن تعیین می‌شود و نقشه‌ها و مشخصات مربوط به مالکیت براساس مدارک ثبتی تهیه و تنظیم می‌گردد.» (شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۹ هـ.ش: ۱۱۰-۱۰۹).

طرح تفصیلی (Detailed plan)

درباره طرح‌های تفصیلی نیز می‌توان گفت که این طرح‌ها به دنبال طرح‌های جامع و به منظور انجام برنامه‌های اجرایی تصویب شده در آن تهیه می‌شوند. بدین ترتیب، این گونه طرح‌ها، اجرایی‌تر از طرح‌های جامع‌اند و از حد راهبرد نیز فراتر هستند (سیف‌الدینی ۱۳۸۱ ه.ش. : ۱۲۹).

برای فهم بهتر طرح تفصیلی و تمایز آن با سایر طرح‌ها می‌توان به دو نکته اشاره کرد. نکته اول همانی است که در سطرهای پیشین اشاره شد، یعنی طرح تفصیلی حالت تدقیق شده، جزءتر شده و به اجرا نزدیک شده طرح جامع است. نکته دوم به مصداق‌های موردی تهیه طرح‌های جامع و تفصیلی مربوط می‌شود. معمولاً با توجه به بزرگی و کوچکی شهرها، مقیاس طرح جامع از $\frac{1}{۵۰۰۰}$ تا $\frac{1}{۲۰۰۰۰}$ متغیر است. اما مقیاس طرح تفصیلی $\frac{1}{۲۰۰۰}$ است.^۲ طرح جامع مبنای تصمیم‌گیری‌های کلان درباره کالبد

شهر، نظیر تشخیص حوزه کاربری‌های اصلی، جهات و محورهای توسعه و محدوده کلی شهر است. اما طرح تفصیلی مبنای تصمیم‌گیری درباره اجزای واحدهای انواع کاربری‌ها، تمایز کلی پلاک‌ها و تمایز کلی (البته غیراجرایی) بر و کف، و همچنین اعمال ضوابط ساختمانی و معماری و شهرسازی است. طرح تفصیلی مبنای تهیه طرح‌های اجرایی است که معمولاً با مقیاس‌های بزرگ‌تری (بالای) تهیه می‌گردند.

طرح تفصیلی (Detailed plan)

قبل از ارائه مصداق‌ها یا نمونه‌هایی از طرح‌های تفصیلی، یادآوری می‌شود که طرح تفصیلی مورد نظر یا منظور این نوشتار، اسناد مفصل شده‌ی طرح‌های جامع است. اگر به این مطلب توجه نشود، ممکن است اشتباهاتی ادراکی در برخورد با نمونه طرح‌های دیگر رخ دهد. نقشه‌های طرح جامع که در مقیاسی کلی‌تر از طرح‌های تفصیلی تهیه می‌شود، عرصه‌بندی کاربری‌های غالب را در لباس پهنه‌بندی^۱ نشان می‌دهد. این نقشه‌ها در سطح تفصیلی به شکل کاربری زمین ارائه می‌گردد. در پروژه‌های طراحی شهری، معمولاً چارچوب‌های طراحی و گستره‌های طرح راهبردی در لباس یا شکل کاربری زمین با مقیاس $\frac{1}{2000}$ تا $\frac{1}{500}$ ارائه می‌شود. نقشه‌های اخیر را که مربوط به پروژه‌های طراحی شهری است، نباید با نقشه‌های رسمی یا آنچه که قانوناً به نام طرح تفصیلی تعریف کرده‌اند اشتباه کرد. مثال‌هایی که در صفحات دیگر عرضه می‌گردد، نمونه‌هایی از طرح‌های تفصیلی وابسته به طرح‌های جامع متداول (رسمی) است.

طرح تفصیلی (Detailed plan)

شکل ۶ - نمونه طرح تفصیلی در منطقه‌ای از یک کلان شهر: بخشی از طرح تفصیلی منطقه ۲۲ تهران



مأخذ: آرمانشهر ، ۱۳۷۸ ه.ش.

شکل ۳ - نمونه طرح تفصیلی شهری کوچک: بخشی از طرح تفصیلی یاسوج



طرح تفصیلی (Detailed plan)

شکل ۴ - نمونه طرح تفصیلی شهری میانی: بخشی از طرح تفصیلی شهر بم



شکل ۵ - نمونه طرح تفصیلی شهری بزرگ (فرامیانی): بخشی از طرح تفصیلی شهر زنجان

